

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



آرزوهای زندگی

تهیه و تنظیم :

واحد فرهنگی مدرسه علمیه فاطمیه دامغان

مقدمه

زندگی بر مرکب زمان، سوار است و با گذر زمان، پا به عرصه وجود می گذارد. زمان نیز از یک منظر به سه بخش تقسیم می شود: گذشته، حال و آینده. زندگی پویا و پویایی زندگی این است که انسان، نگاه به آینده داشته باشد. بدون نگاه به آینده، چرخ زندگی از حرکت بازمی ایستد. نگاه حسرت آمیز به گذشته، نوعی «واپس گرایی» است و نگاه به حال، موجب «ایستایی» می گردد.^۱ آنچه به زندگی پویایی و تحرک می بخشد، نگاه به آینده است که از آن به «امید» یاد می کنیم. پیامبر خدا ﷺ در این باره می فرماید:

«إِنَّمَا الْأَمَلُ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لِأُمَّتِي، لَوْلَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ أُمُّ وَالدَّاءِ وَلَا غَرَسَ غَارِسُ شَجَرًا؛ هَمَانَا أَرْزُو، رَحْمَتِي مِنْ جَانِبِ خَدَا بَرَايَ اَمْتِ مِنْ اَسْت. اِكْرَ اَرْزُو نَبُوْد، هِيَجَ مَادِرِي فَرْزَنْدَش رَا شِيْر نَمِي دَاد وَ هِيَجَ كِشَاوْرزِي دَرْخْت نَمِي كَاثْت.»

شیر ندادن فرزند یعنی انقطاع نسل، و کشت نکردن درخت یعنی از میان رفتن غذای زندگی. تصوّر کنید زندگی در این وضعیت چه صورتی می یابد. «گویند روزی حضرت عیسی علیه السلام به پیرمردی که مشغول کشاورزی بود، می نگرست. حضرت عیسی علیه السلام به خداوند عرض کرد: «خداوندا! امید را از دل او بگیر.» در این هنگام، پیرمرد، بیل خود را به کناری نهاد و روی زمین دراز کشید. مدتی گذشت. حضرت عیسی به خداوند عرض کرد: «خداوندا! امید را به دل او بازگردان.» ناگهان کشاورز پیر برخاست و شروع به کار نمود. حضرت عیسی علیه السلام نزدیک رفت و ماجرا را از وی پرسید. پیرمرد گفت: «مشغول کار کردن بودم که با خود فکر کردم و گفتم: تا به کی می خواهی کار کنی ای پیرمرد؟! از این رو، بیل را کنار گذاشتم و خوابیدم. کمی گذشت، با خود گفتم: به خدا سوگند، تا زنده هستی باید زندگی کنی! از این رو، برخاستم و بیل را دوباره به دست گرفتم.»^۲

۱. زندگی در زمان حال، معنای دیگری دارد که مثبت است؛ مراد از حال در این جا، امید نداشتن به آینده و ایستایی است.

۲. تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۵۰؛ مسند الفردوس، ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۱۳۶۹؛ أعلام الدین، ص ۹۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۹۵.

۳. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۲۷۲.



نقش امید و ناامیدی در این جریان، به خوبی مشهود است. همچنین گفتمان درونی انسان های امیدوار و ناامید نیز به خوبی روشن است. انسان های ناامید ، پیوسته بر این تکیه می کنند که: تا کی باید کار کرد؟ چرا باید زندگی کرد؟ زندگی کردن چه فایده ای دارد؟ زندگی برای این گروه، سرد، تاریک، بی روح، تلخ و زجرآور خواهد بود. اما کسانی که از گوهر امید برخوردارند، می گویند: تا انسان عمر دارد ، باید زندگی کند: «تا شقایق هست ، زندگی باید کرد». این ، دو نگاه متفاوت به زندگی است. در نگاه دوم، زندگی، سرشار از نشاط، تحرک و پویایی است؛ به همین دلیل، انسان امیدوار، از زندگی خود لذت می برد.

آرزوهای دراز

اما هر چیزی حدی دارد و اگر آن حد، حفظ نشود ، دو جنبه افراط و تفریط نیز پیدا می کند. امید نیز همین گونه است. جنبه تفریط آن، «ناامیدی» است که مختصری درباره آن صحبت شد؛ اما جنبه افراطی نیز دارد که در فرهنگ دین از آن به عنوان «آرزوهای دور و دراز» یاد می شود. آرزوی دور و دراز ، یعنی آرزوهایی که از اندازه عمر انسان تجاوز می کند و دنیا نیز ظرفیت برآوردن آن را ندارد. گفتیم که امید برای آن است که تا زنده هستیم زندگی کنیم؛ یعنی قلمرو امید را عمر تعیین می کند؛ اما عده ای بر این باورند که به اندازه آرزوها باید زنده بود و زندگی کرد، آرزوهای انسان نیز هیچ پایانی ندارد،^۱ در حالی که عمر انسان، محدود است.^۲

این افراط در آرزوها، خود یکی از عوامل نارضایتی از زندگی است. به همین جهت، امام علی علیه السلام می فرماید:

۱. امام علی علیه السلام: «الآمال لا تنتهی» (غرر الحکم ، ح ۷۲۰۲؛ عیون الحکم والمواعظ، ص ۵۰)؛ «الأمّل لا غایة له» (غرر الحکم، ح ۷۲۰۴؛ عیون الحکم والمواعظ، ص ۳۰)؛ «أبعد شیء الأمّل» (غرر الحکم، ح ۷۲۱۱؛ عیون الحکم والمواعظ، ص ۱۱۳)؛ امام رضا علیه السلام: «أبعد الاشیاء الامل» (جامع الأحادیث ، ص ۲۲۸)

۲. امام علی علیه السلام: «انما الناس فی نفس معدود و أمل ممدود و اجل محدود. فلا بد للاجل أن یتناهی و للنفس ان یحصی و للامل أن ینقضی» ، (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۸۱، ح ۲۲۳؛ ر. ک: الأمالی ، صدوق، ص ۱۰۸، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۷۰)



«مَنْ كَثُرَ مَنَاهُ قَلَّ رِضَاةُ؛ هِرْكَسِ أَرْزُوهُائِشِ زِيَادَ شُود، رِضَايَتِ او كَمِ مِي شُود.»

ویژگی آرزوی دراز

آرزو که می توانست موتور حرکت انسان به سوی آینده باشد، به عاملی جهت رکود و نارضایتی تبدیل می شود. دلیل آن را می توان در چند چیز جستجو کرد که به آنها اشاره می گردد:

۱. دست نیافتنی بودن

عمر انسان و ظرفیت پاسخگویی دنیا به خواسته های مادی او، محدود است. اگر خواسته ها و آرزوهای انسان در همین قلمرو باشد، دست یافتنی است و مشکلی پیش نخواهد آمد؛ اما اگر از قلمرو عمر و ظرفیت دنیا فراتر رود، بدیهی است که دست نیافتنی خواهد شد. آرزوها، چون پایان ناپذیرند، دست نیافتنی هستند. به دست نیاوردن خواسته ها و تحقق نیافتن آرزوها نیز موجب احساس ناکامی می گردد و احساس ناکامی، از عوامل نارضایتی از زندگی است. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«حَاصِلُ الْأَمَانِي الْأَسْفُ؛ نَتِيْجَةُ أَرْزُوهُائِي (دور و دراز)، افسوس خوردن است.»

در کلام دیگری حضرت به نکته ای دیگر اشاره می کنند که می تواند دلیل افسوس خوردن انسان باشد. این نکته، از دست رفتن و تلف شدن فرصت ها و سرمایه هاست:

«حَاصِلُ الْمُتَمَيِّ الْأَسْفُ وَتَمَرُّهُ التَّلْفُ؛^۳ نَتِيْجَةُ أَرْزُو، افسوس خوردن است و ثمره آن ، تلف شدن.»

و در جای دیگر می فرماید:

«مَنْ طَلَبَ مَا لَا يَكُونُ ضَيِّعَ مَطْلَبِهِ؛^۴ هِرْكَسِ أَرْزُوهُ نَمِي شُود طَلَبِ كَنْد، خواسته خود را ضایع کرده است.»

۱. غرر الحکم ، ح ۷۳۰۴ ؛ عیون الحکم والمواعظ، ص ۴۲۴.

۲. غرر الحکم ، ح ۷۳۰۰

۳. همان ، ح ۷۳۰۱

۴. همان ، ح ۷۳۰۷ ؛ عیون الحکم والمواعظ، ص ۴۳۹



۲. انتظار بی پایان

امید و انتظار، همراه یکدیگرند. انسان امیدوار، انتظار نیز دارد؛ انتظار رسیدن به خواسته ها و آرزوهایش. اگر انسان، آرزویی دست نیافتنی داشته باشد، انتظار وی نیز انتظاری بی پایان و در نتیجه، بی فایده خواهد بود. هرچند انتظار، سخت است، اما آنچه آن را تحمل پذیر و بلکه شیرین می سازد، پایان خوش آن است. حال اگر از پایان خوش خبری نباشد، بسیار تلخ و آزاردهنده خواهد بود و انتظار در آرزوهای دور و دراز، از این قسم است؛ چرا که دست نیافتنی اند. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«إِعْلَمْ يَقِينًا أَنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ أَمَلَكَ وَلَنْ تَعْدُوَ أَجَلَكَ! ^۱ به یقین بدان که تو، به آرزوهای خود نمی رسی و از اجل خود فراتر نمی روی.»

در این جا حضرت، به محدود بودن عمر و دست نیافتنی بودن آرزوها اشاره نموده و در ادامه، سؤال می کند که چرا آرزوهای دست نیافتنی دارید:

«ما لَكُمْ تَوَمَّلُونَ مَا لَا تُدْرِكُونَهُ! وَتَجْمَعُونَ مَا لَا تَأْكُلُونَهُ! وَتَبْنُونَ مَا لَا تَسْكُنُونَهُ! ^۲ شما را چه شده که آرزوی چیزهایی را دارید که دست نیافتنی اند؟ و جمع می کنید آنچه را که نمی خورید؟! و می سازید آنچه را که در آن ساکن نمی مانید؟!»

نکته محوری، «دست نیافتنی بودن» است. انسان، مال جمع می کند تا استفاده نماید و ساختمان می سازد تا در آن ساکن باشد؛ اما چه بسا مال هایی که باقی ماندند و صاحبان آنان رفتند و چه بسا ساختمان هایی که پابرجا ماندند، اما صاحبان آنان در خاک شدند.

این مسئله یکی از آزاردهنده ترین پدیده های زندگی است و به همین جهت، بسیاری از افراد دارا و ثروتمند از زندگی خود راضی نیستند؛ جمع می کنند و سپس همه را می گذارند و می روند و فرصت استفاده از آن را نمی یابند و انتظاراتشان برآورده نمی شود. اگر آرزوها دست نیافتنی اند، پس انتظار انسان نیز انتظاری طولانی و بی پایان خواهد بود. امام علی علیه السلام می فرماید:

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ غررالحکم، ح ۵۹۴۳؛ تحف العقول، ص ۷۶.

۲. غرر الحکم، ح ۲۲۸۳؛ عیون الحکم والمواعظ، ص ۴۷۸.



«مَنْ أَمَلَ مَا لَا يُمْكِنُ طَالَ تَرْقُبُهُ^۱؛ هر که آنچه را ناممکن است آرزو کند، انتظار او طولانی (و بی پایان) خواهد شد.»

۳. نیرنگبازی آرزوها

دنیا به جهت ظاهر خیره کننده و ماهیت چرب و شیرینش، فریبنده است و از این رو، انسان را به آرزوهای طولانی می فریبد. آرزوهای دور و دراز، قرار است که انسان را به کامیابی های بیشتر برسانند و انتظار این است که پایان این راه، کامیابی بیشتر و بهره مندی بیشتر باشد؛ اما چون در آن وارد شوی، نه تنها انسان را به کامیابی های بیشتر نمی رساند، بلکه از همان اندازه معقول نیز محروم می سازد. این، یک نیرنگ است و هیچ عهدشکنی ای در نیرنگ بازی^۲ و هیچ چیزی در دروغ پردازی مانند «آرزو» نیست^۳؛ به همین جهت، امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«اتَّقُوا خِدَاعَ الْأَمَالِ ، فَكَمْ مِنْ مُؤَمِّلٍ يَوْمٍ لَمْ يُدْرِكْهُ ، وَبَنَى بِنَاءً لَمْ يَسْكُنْهُ وَجَامِعٍ مَالٍ لَمْ يَأْكُلْهُ ، وَلَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ وَمِنْ حَقٍّ مَنَعَهُ ، أَصَابَهُ حَرَامًا وَاحْتَمَلَ بِهِ آثَامًا^۴؛ از خدعه های آرزوها بپرهیزید؛ زیرا چه بسیارند کسانی که آرزوی روزی را داشتند، ولی به آن نرسیدند، و کسانی که بنایی را ساختند، ولی ساکن آن نشدند، و کسانی که مالی را جمع کردند، ولی از آن نخوردند و چه بسا این مال را از راه باطل جمع کرده بودند و حق دیگران را نداده بودند، به حرام، گرفتار شدند و بار گناه را متحمل گردیدند.»

۴. ناکامی، فرجام آرزوهای دراز

یأس، جنبه تفریطی امید است و آرزوهای دور و دراز، جنبه افراطی آن و این دو باید در مقابل هم باشند. اما جالب این جاست که ره آورد آرزوهای دور و دراز، یأس و ناامیدی است. به نظر می رسد افراط در امید، یک حرکت ارتجاعی را آغاز می کند که پایان آن، ناامیدی است. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

۱. غرر الحکم، ح ۷۲۲۵؛ عیون الحکم والمواعظ، ص ۴۳۹.

۲. امام علی (علیه السلام): «لا غادر اخلدع من الامل» (غرر الحکم، ح ۷۲۵۱؛ عیون الحکم والمواعظ، ص ۵۳۳)

۳. امام علی (علیه السلام): «لا شی اکذب من الامل» (غرر الحکم، ح ۷۲۴۰؛ عیون الحکم والمواعظ، ص ۵۳۳)

۴. غرر الحکم، ح ۷۲۴۷؛ عیون الحکم والمواعظ، ص ۹۱



«إِنَّ الدُّنْيَا خُلُوهُ خَضِرَةٌ، تَفْتِنُ النَّاسَ بِالشَّهَوَاتِ وَتُزَيِّنُ لَهُمْ بِعَاجِلِهَا، وَإِيْمُ اللّٰهِ إِنَّهَا لَتَنَعَّرُ مَنْ أَمَلَهَا وَتُخَلِّفُ مَنْ رَجَاهَا؛^۱ همانا دنیا شیرین و زیباست ، مردم را با شهوات، شیفته می سازد و با پدیده های ظاهرسازی می کند. به خدا سوگند، دنیا هرکس را که به آن آرزومند باشد فریب می دهد و هرکس را که به آن امید داشته باشد، ناامید می سازد.»

از این جهت، می توان آرزوها را به «سراب» تشبیه کرد؛ سرابی که انسان را به دنبال خویش می کشاند و در پایان، وی را تشنه تر از قبل و ناامید و خسته رها می کند. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«الْأَمَلُ كَالسَّرَابِ، يَغْرُ مَنْ رَأَهُ وَيُخَلِّفُ مَنْ رَجَاهُ؛^۲ آرزو مثل سراب است؛ کسی را که به آن نگاه کند، می فریبد و کسی را که به آن امید بندد، ناامید می سازد.»

بدیهی است چنین پدیده ای، موجب تلخ کامی و آزرده گی روحی می گردد و در نتیجه رضایت از زندگی را به مخاطره می اندازد. امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«مَنْ أَمَلَ الرَّيِّ مِنَ السَّرَابِ، خَابَ أَمَلُهُ وَمَاتَ بِعَطَشِهِ؛^۳ هرکس از سراب، آرزوی سیراب شدن داشته باشد، آرزویش ناامید می شود و با تشنگی می میرد.»

و در کلام دیگری می فرماید:

«مَنْ سَعَى فِي طَلْبِ السَّرَابِ طَالَ تَعَبُهُ وَكَثُرَ عَطَشُهُ؛^۴ هر که در پی سراب روان شود، زحمت او طولانی گردد و تشنگی اش افزون شود.»

و پر واضح است که هر چه بر میزان «آرزوها» افزوده شود، انسان به زحمات و سختی های بیشتری دچار می گردد. چنان چه امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز به این واقعیت نیز اشاره کرده اند:

«مَنْ كَثُرَ مَنَاهُ كَثُرَ عَنَائِهِ؛^۵ هر کس آرزوهایش زیاد شود، سختی هایش نیز زیاد می شود.»

۱. الکافی، ج ۸، ص ۲۵۶، ح ۳۶۸؛ بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۲۳۳، ح ۱۸۶.

۲. غرر الحکم، ح ۷۲۰۷؛ عیون الحکم والمواعظ، ص ۵۷

۳. همان، ح ۲۳۷۴؛ عیون الحکم والمواعظ، ص ۴۲۵

۴. همان، ح ۲۳۷۵؛ عیون الحکم والمواعظ، ص ۴۲۵.

۵. همان، ح ۷۳۰۶؛ عیون الحکم والمواعظ، ص ۴۵۹



این پدیده، بر حزن و اندوه انسان می افزاید و در چنین وضعیتی، میزان رضایت از زندگی، به شدت کاهش می یابد. انسان می خواهد با گسترش دامنه آرزوهایش به زندگی بهتری دست یابد و درجه رضامندی خود را بالا برد؛ اما غافل از این که این کار، نتیجه ای جز افزایش حزن و اندوه و ناامیدی ندارد. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«الْأَمَلُ الْمُمْتَلُ فِي الْيَوْمِ غَدًا أَضْرَكَ فِي وَجْهَيْنِ: سَوَّفَتْ بِهِ الْعَمَلَ وَزِدَتْ بِهِ فِي الْهَمِّ وَ الْحُزْنِ؛ آرزوی نمایان امروز، فردا از دو جهت به تو زیان می رساند: به خاطر آن، عمل [صالح] را به تأخیر می اندازی و به وسیله آن، بر اندیشناکی و اندوه خود می افزایی.»

۵. کوچک سازی داشته ها

کسی که صاحب آرزوهای طولانی است، همواره لذت را در چیزی می داند که ندارد و به همین جهت، از آنچه دارد بهره مند نمی شود. چنین افرادی همواره از آنچه دارند، نالان و ناراضی اند و چیزهایی را آرزو می کنند که ندارند. مهم نیست که چه دارند، مهم آن است که همواره آن چه را ندارند، مایه خوش بختی می دانند و وقتی به آنچه زمانی آرزویش را داشتند، دست یافتند، باز هم احساس بهره مندی و خوش بختی نمی کنند و به آن چه در دور دست ها وجود دارد، می اندیشند. برای احساس بهره مندی، داشتن فلان نعمت، کافی نیست؛ باید انسان از وجود نعمت، باخبر شود و از داشتن آن، احساس بهره مندی کند، تا لذت آن را بچشد. چه بسا نعمت هایی که وجود دارند، ولی کسی از وجود آنها خبر ندارد و یا از داشتن آنها لذت نمی برد. ناخشنودی بسیاری از کسانی که از زندگی خود راضی نیستند، نه به دلیل نداری و محرومیت، بلکه به دلیل ناچیز شمردن و اهمیت ندادن به چیزهایی است که دارند. اگر روحیه فرد، این گونه باشد که آنچه را دارد ناچیز می شمارد و لذت خود را در آن چیزی می داند که ندارد، در این صورت، راه تحقق رضایت از زندگی، تأمین خواسته ها و افزایش سطح زندگی نیست؛ زیرا او به هر سطحی از زندگی که برسد، باز همین الگوی فکری را دارد که: «آنچه دارم ناچیز است و خوش بختی در چیزهای بالاتری است که ندارم». این الگوی فکری، موجب پیدایش آرزوهای دور و دراز می گردد. به همین جهت، امام علی (علیه السلام) می فرماید:



«تَجَنَّبُوا الْمُنَى فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِبَهْجَةٍ نَعِمَ اللَّهُ عِنْدَكُمْ وَتُلْزِمُ اسْتِصْغَارَهَا لَدَيْكُمْ وَعَلَى قَلْبِهِ الشُّكْرُ مِنْكُمْ؛^۱ از آرزوهای (ی طولانی) بپرهیزید زیرا نشاط آوری نعمت های الهی را که دارید از میان می برد و آنها را نزد شما کوچک می سازد و شما را به کم سپاسی وامی دارد.»

ناسپاسی یا کم سپاسی، ویژگی کسانی است که آرزوهای طولانی دارند و از زندگی خود ناراضی اند؛ زیرا آنان چیزی نمی بینند که قابل سپاس گزاری باشد و آنچه را دارند، بی اهمیت می دانند. آنان همواره احساس محرومیت می کنند و کسی برای این احساس، سپاس گزاری نمی کند.

خلاصه این که، صاحبان آرزوهای دور و دراز، همواره لذت را در آینده و در آن چه ندارند می بینند و از این رو، هیچ گاه به احساس خوشایندی از زندگی دست نمی یابند.

راه درمان

ریشه این نابهنجاری را باید در «ضعف شناخت» جستجو کرد. آرزوهای طولانی و زیاد، پدیده ای برخلاف واقعیت های زندگی است و آنچه خلاف واقعیت ها باشد، محال و دست نیافتنی است و این، ناشی از جهل و ضعف شناخت است. این، یک اصل است که محال را آرزو کردن، نشانه نادانی و جهالت است.

امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«رَغِبْتَكَ فِي الْمُسْتَحِيلِ جَهْلٌ؛^۲ رغبت تو به آنچه محال است، جهالت است.»

بنابراین، اصلاح باورها و شناخت واقعیت ها راه حل این ناهنجاری است. باید آرزوها را با واقعیت های زندگی، هماهنگ ساخت. واقعیت زندگی، این است که دنیا برای هرکس، چند روزی بیش نیست و انسان، عمری محدود دارد. کسی که به این واقعیت، باور پیدا کند، آرزوهایش کوتاه و واقع بینانه خواهد بود. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

۱. غرر الحکم، ح ۷۲۹۸؛ ر. ک: الکافی، ج ۵، ص ۸۵، ح ۷.

۲. همان، ح ۷۲۱۸؛ عیون الحکم والواعظ، ص ۲۶۹.



«مَنْ أَيْقَنَ أَنَّهُ يُفَارِقُ الْأَحْبَابَ وَيَسْكُنُ التُّرَابَ وَيُوَاجِهُ الْحِسَابَ وَيَسْتَعْنِي عَمَّا خَلْفَ وَيَفْتَقِرُ إِلَى مَا قَدَّمَ، كَانَ حَرِيًّا بِقَصْرِ الْأَمَلِ وَطُولِ الْعَمَلِ؛^۱ کسی که یقین داشته باشد، از دوستان جدا می شود و ساکن خاک می گردد و با حساب، رو به رو می شود و از آنچه برجای گذاشته، بی نیاز می گردد و به آنچه از پیش فرستاده، محتاج می شود، سزاوار است که آرزوی خود را کوتاه و عمل خود را طولانی کند.»

اگر انسان به پایان پذیری عمر خود و به سرانجامی که دارد بیندیشد و به جایگاهی که به سوی آن در حرکت است فکر کند، بدون تردید، از آرزوهای ویرانگر، بی زار می گردد و فریب آنها را نخواهد خورد.^۲ مهم این است که انسان در اندیشه مرگ نیز باشد.^۳ کسی که عمر خود را کوتاه و ناپایدار بداند، از آرزوهای طولانی، دست خواهد کشید.^۴ بنابراین، این، یک اصل اساسی است که شناخت صحیح نسبت به زندگی، عمر و مرگ، موجب اصلاح آرزوهای انسان می گردد. امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«لَوْ عَرَفَ الْأَجَلَ، قَصُرَ الْأَمَلُ،^۵ اگر مرگ شناخته شود، آرزو کوتاه می گردد.»

پیامبر خدا ﷺ با اشاره به پایان پذیری عمر و درک نکردن بسیاری از فرداها، می فرماید که توجه به این امر را موجب کوتاهی آرزوها و منطقی شدن آنها می داند. حضرت می فرماید:

۱. کنز الفوائد ، کراجکی ، ج ۱ ، ص ۳۵۱ ؛ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۶۷، ح ۳۱ ؛ ر.ک، شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۸، ح ۱۰۷
۲. امام علی (علیه السلام) : «لَوْ رَأَى الْعَبْدُ الْأَجَلَ وَ مَصِيرَهُ ، لَابْغَضَ الْأَمَلَ وَ غُرِرَهُ ؛ اگر بنده ، مرگ را و جایگاه آینده خود را بداند ، از آرزوها و فریب آنها بیزار می شود» (نهج البلاغه ، حکمت ۳۳۴) ؛ «لَوْ رَأَيْتَ الْأَجَلَ وَ مَسِيرَهُ ، لِلْهَيْتَمِ عَنِ الْأَمَلِ وَ غُرُورِهِ ؛ اگر مرگ و مسیر خود را می دانستید ، از آرزوها و فریب آن ، دوری می کردید» (مشكاة الأنوار ، ص ۴۴ ؛ ر. ک: غررالحکم :ح ۷۲۷۹) ؛ «لَوْ رَأَى الْعَبْدُ أَجْلَهُ وَ سُرْعَتَهُ إِلَيْهِ لِأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَ تَرَكَ طَلَبَ الدُّنْيَا ؛ اگر بنده ، مرگ خود را و شتاب آن را بداند، از آرزوها بی زار گشته ، دنیاخواهی را ترک می کند» (الأمالی ، مفید ، ص ۳۰۹ ، ح ۸ ؛ الأمالی ، طوسی، ص ۷۸.
۳. امام علی (علیه السلام) : «مَنْ رَاقَبَ أَجْلَهُ ، قَصُرَ أَمَلُهُ ؛ هرکس مراقب اجل خود باشد ، آرزویش کوتاه می شود» (غرر الحکم ، ح ۳۱۴۲ ؛ عیون الحکم و الموعظ، ص ۴۵۴
۴. امام علی (علیه السلام) : «مَنْ اسْتَقْصَرَ بَقَاءَهُ وَ أَجْلَهُ ، قَصُرَ رَجَاؤُهُ وَ أَمَلُهُ ؛ هرکس باقی ماندن و زنده ماندنش را کوتاه بداند، امید و آرزوهایش کوتاه می گردد» (غرر الحکم ، ح ۳۱۴۴ ؛ عیون الحکم و الموعظ، ص ۴۳۶)
۵. الإرشاد، مفید ، ج ۱، ص ۳۰۰



«كَمْ مِنْ مُسْتَقْبَلٍ يَوْمًا لَا يَسْتَكْمِلُهُ وَمُنْتَظَرٍ غَدًا لَا يَبْلُغُهُ . لَوْ نَظَرْتُمْ إِلَى الْأَجَلِ وَمَسِيرِهِ لَأَبْغَضْتُمْ الْأَمَلَ
وَعُرُورَهُ؛^۱ چه بسا کسانی که به پیشواز روزی رفتند، ولی آن را کامل نکردند و به انتظار فردایی
بودند که به آن نرسیدند! اگر شما به مرگ و مسیر آن توجه کنید، از آرزو و فریب آن بی زار
می گردید.»

و بر همین اساس، امام سجاد (علیه السلام) به فرزند مبارکشان امام باقر (علیه السلام) توصیه می کنند و
می فرماید: «إِيَّاكَ وَالْأَمَلَ الطَّوِيلَ، فَكَمْ مِنْ مُؤَمَّلٍ أَمَلًا لَا يَبْلُغُهُ وَجَامِعٍ مَالٍ لَا يَأْكُلُهُ؛^۲ بپرهیز از آرزوهای طولانی؛
زیرا چه بسیارند آرزومندانی که به آرزوی خود نرسیدند و مال اندوزانی که آن را مصرف نکردند.»

در چنین وضعیتی و با توجه به این واقعیت ها، جای شگفتی است که کسی دچار آرزوهای
طولانی گردد.^۳ برای ایمنی از آفت آرزوهای طولانی و رسیدن به سلامت زندگی، لازم است که شناخت
انسان از دنیا و عمرش مورد بازنگری قرار گیرد و با واقعیت های زندگی هماهنگ شود.^۴



۱. الفردوس، ج ۳، ص ۳۰۴، ح ۴۹۱۳؛ ر. ک: الأمالی، طوسی، ص ۵۲۵

۲. کفایة الأثر، ص ۲۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۳۰، ح ۷.

۳. پیامبر خدا ﷺ: «عجبت لمؤمل دنیا والموت يطلبه؛ در شگفتم از کسی که آرزوی دنیا را دارد و حال آن که مرگ، در پی اوست!» (الدعوات، ص ۲۳۷، ح ۶۵۸؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۷۲).

۴. ر. ک: عباس پسندیده، رضایت از زندگی، قم، چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۹، ص ۸۶-۹۵



ليلة الرغائب

اولين شب جمعه ماه رجب



شب خوب آرزوها

